

نقش تعبیر واسطه در معجم رجال

اشاره

در این نوشتار، بعد از پرداختن به اهمیت رجال سند و درایه در علم حدیث، انواع تعبیر واسطه با طرق تحمل حدیث مورد کنکاش قرار گرفته و کاربردی شدن آن، با دقت عمل و کمترین مورد خطا مورد نظر است. مقاله پیش رو، ضمن ارائه این مهم در نرم افزار درایه النور، به جایگاه و نقش اساسی تعبیر واسطه در طرق تحمل حدیث می پردازد.

کلیدواژگان: تعبیر واسطه، درایه النور، طرق تحمل حدیث.

حجت الاسلام والمسلمین سید جواد شبیری *
تنظیم و آماده سازی: حجت الاسلام سید محسن میرمهدی **

قسمت اول ***

مقدمه

در عنوان مقاله از تعبیر واسطه سخن گفتیم. نخست باید مراد از این عبارت بیان گردد تا بتوان به نقش آن در رجال پرداخت. ما در ارتباط با سند، با سه دسته کلمات مواجهیم: راویان، حالات راویان، تعبیر واسطه.

راویان، کسانی هستند که تحمل حدیث بر دست آنها صورت پذیرفته و اتصال سند از مؤلف کتاب تا معصوم، به وسیله آنان صورت می پذیرد. در علم رجال، از حالات آنها و وثاقت و عدم وثاقت و طبقه ایشان، بحث می شود. در بین سند، گاه تعبیراتی یافت می شود که بیانگر حالات و اوصاف راوی مورد نظر بوده و یا نام، لقب، کنیه و مانند آن را بیان می کنند.

در تعبیراتی چون «ابو یعقوب یوسف بن محمد بن زیاد» «وکان من الشیعة» عن البطائنی [و اسمه الحسن بن علی بن ابی حمزة]، عن عبد العظیم بن عبد الله [و کان مکیناً عند الرضا(ع)] «تعبیرات بیانگر اوصاف و اسمای راوی، در میان [] مشخص شده اند.

* کارشناس عالی رجال و مدیر پژوهشی نرم افزار درایه النور.

** کارشناس گروه رجال مرکز نور.

*** قسمت بعدی این مقاله، در شماره های آینده فصلنامه منتشر خواهد شد.

علاوه بر این، دو دسته تعبیر، در میان آنها، افعال یا حروف یا عباراتی واقع هستند که پیونددهنده این نام‌ها به هم می‌باشند و نقش رابطه و واسطه را در سند ایفا می‌کنند. تعبیراتی مانند: «عن»، «قال حدّثنی» و «قال اخبرنی» از این نوع تعبیرات‌اند. این تعبیرات، بیانگر کیفیت اتصال روایت بوده و در رجال نقش مهمی دارند و ما از آنها با نام «تعبیر واسطه» یاد می‌کنیم.

شایان ذکر است که تمامی تعبیراتی که نام راوی نبوده و از حالات و اوصاف وی حکایت نمی‌کنند و اتصال روایت به وسیله آنها صورت نگرفته، به عنوان تعبیر واسطه تلقی می‌گردند. بنابراین، افرادی که اتصال حدیث به وسیله آنها صورت نگرفته، ولی به نحوی از انحا به سند مربوط می‌گردند، به عنوان تعبیر واسطه خواهند بود. تعبیر واسطه می‌تواند از مکان روایت، زمان روایت و کیفیت تحمل روایت و مصدر روایت و جز آن، حکایت کند.

د. «(روی عن) یحیی بن عبادة المکی (أنه قال: سمعت سفیان الثوری یسأل) أبا جعفر(ع)». (فقیه، ج ۱، ح ۴۰۸)

ه. «(وجدت بخط) سعد بن عبد الله (حدیثاً أسنده إلی) الصادق(ع)». (فقیه، ج ۱، ح ۲۲)

و. «(وقال) ابو المغراء حمید بن المثنی (كنت عند) ابي عبد الله(ع) (فسأله حفص الكلبي فقال)». (فقیه، ج ۱، ح ۴۲)

"آنچه به‌وضوح در این نرم‌افزار مشخص است،

The screenshot shows the 'Arzabayan' software interface. At the top, there are navigation tabs: 'سند', 'راوی', 'ارتباط راویان', 'سایر فهرستها', 'کتابخانه', '؟ درباره انور ۲'. Below these are search and filter options: 'فهرست کامل', 'فهرست های منتخب', 'عنوان جستجو را وارد کنید', 'راوی', 'همه ابواب', 'برو به', 'مشابه یابی', 'عنوان اصلی', 'فهرستی اسناد'. The main area displays a list of hadiths with columns for 'ادویس' (number of narrators), 'ارزیاب‌سند' (isnad analysis), and the text of the hadith. A sidebar on the right contains a 'پالایش فهرست' (filter list) with categories like 'موضوعات', 'کتاب', 'موضوع', 'اتصال سند', 'ارزیابی سند', 'نوع سند', 'ارزیابی کاربرد', 'طریق و مشیخه'. A 'همانطور که در تصویر هست تعبیر واسطه می‌تواند از مکان روایت، زمان روایت و کیفیت تحمل روایت حکایت کند و در این برنامه تعابیر واسطه در ارزیابی برنامه نقش بسزایی ایفاء می‌کنند' (As shown in the image, the interpretation of the intermediate expression can be from the place of narration, the time of narration, and the quality of the narration. This program can narrate the intermediate expressions in the evaluation program. The role of the intermediate expression in the evaluation program is very important.) is visible in a callout box.

اکنون برای روشن شدن بیشتر بحث، به ذکر چند مثال پرداخته، تعبیرات واسطه را در بین دو پیرانتز قرار می‌دهیم:

الف. «(حدّثنا) حمزة بن محمد بن احمد... (بقم فی رجب سنة تسع و ثلاثین و ثلاثمئة قال اخبرنی) علی بن ابراهیم بن هاشم (عن) ابيه...» (خصال، ص ۱۱)

ب. «(اخبرنا) ابو الحسن محمد بن هارون الزنجانی (فی ما كتب إلی علی یدی علی بن احمد البغدادی الوراق قال حدّثنا) معاذ بن المثنی العنبری (قال حدّثنا) عبد الله بن اسماء...» (معانی الاخبار، ص ۲۲)

ج. «(حدّثنا) علی بن الفضل بن العباس البغدادی (قال قرأت علی) احمد بن محمد بن سلیمان...» (معانی الاخبار، ص ۱۲۵)

قرار دادن تعابیر واسطه به‌عنوانی است که در مقاله هم مشخصات آنها را بیان کرده‌ایم؛ آن هم در فرمت خاصی که در نوع خودش بسیار بی‌نظیر است و کاربرد می‌تواند به‌راحتی از زمان روایت، مکان روایت، کیفیت نوع تحمل روایت و دیگر موارد آگاه شود و در اینجا آگاهی از اتصال سند و نوع سند برای کاربرد به‌وضوح مشخص می‌شود."

بدین ترتیب، تعبیر واسطه می‌تواند تنها یک فعل (قال، حدّثنا) یا یک حرف (عن) یا چند فعل (قال

دریای نور ۲

فهرست کامل | فهرست های منتخب

عنوان جستجو را وارد کنید

زای | م | + | عملگرها | همه ابواب | برو به

مشابه یابی | عنوان اصلی | فهرستی اسناد

پالایش فهرست

- صومان
- ب
- ضوع
- مال سند
- یابی سند
- ع سند
- یابی کاربر
- ق و مشیخه

آبی رضي الله عنه عن سعد بن عبد الله عن محمد بن عيسى بن عبيد و يعقوب بن يزيد [و في كتاب زياد بن مروان القندي أن الصادق ع قال
 آبي رضي الله عنه و محمد بن الحسن بن سعد بن عبد الله و الحميري جميعا عن أيوب بن نوح و إبراهيم بن هاشم و يعقوب بن يزيد و محمد بن عبد الجبار] و في نوادر محمد بن أبي عمير أ
 آبي رضي الله عنه عن محمد بن يحيى العطار عن العمري بن علي البوقكي [و سأل علي بن جعفر أخاه موسى بن جعفر ع... فقال
 سعد بن الحسن بن أحمد بن الوليد عن محمد بن الحسن الصقار و سعد بن عبد الله جميعا عن أحمد بن محمد بن عيسى و الفضل بن عامر عن موسى بن القاسم البجلي] و سأل علي بن جعفر
 آبي رضي الله عنه و محمد بن الحسن بن أحمد بن الوليد عن سعد بن عبد الله عن أحمد بن الحسن بن علي بن فضال عن عمرو بن سعيد المدائني عن مصدق بن صدقة [و روى عمار الساباه
 آبي رضي الله عنه و محمد بن الحسن بن أحمد بن الوليد عن سعد بن عبد الله عن أحمد بن الحسن بن علي بن فضال عن عمرو بن سعيد المدائني عن مصدق بن صدقة] و سأل عمار الساباه
 آبي رضي الله عنه و محمد بن الحسن بن أحمد بن الوليد عن سعد بن عبد الله عن أحمد بن محمد بن عيسى [و روى محمد بن سهل عن الرضا ع أنه قال
 محمد بن علي ماجيلويه عن عمه محمد بن أبي القاسم عن أحمد بن محمد بن خالد عن أبيه عن محمد بن أبي عمير عن علي بن أبي حمزة] و الذي رواه أبو بصير عن الصادق ع حين قال له أ
 آبي رضي الله عنه عن سعد بن عبد الله عن يعقوب بن يزيد عن محمد بن أبي عمير [ما رواه جميل بن دراج عن زرارة عن أحدهما ع قال سأته... قال
 آبي رحمه الله عن سعد بن عبد الله عن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب عن عثمان بن عيسى [و قال أبو المغراء حميد بن المثنى كنت عند أبي عبد الله ع فسأله حفص الكلبي فقال... قال
 الله الأرجاني عن أبي عبد الله ع [إبازسازي] أنه قال
 آبي رضي الله عنه عن عبد الله بن جعفر الحميري عن أيوب بن نوح عن محمد بن أبي عمير [و روى عبد الله بن سنان عن أبي عبد الله ع [إبازسازي] أنه قال
 آبي رضي الله عنه عن عبد الله بن جعفر الحميري عن أيوب بن نوح عن محمد بن أبي عمير [و قال عبد الله بن سنان [إبازسازي] ال أبي عبد الله ع [إبازسازي]... فقال
 ي رضي الله عنه و محمد بن الحسن و جعفر بن محمد بن مسرور عن الحسين بن محمد بن عامر عن عمه عبد الله بن عامر عن محمد بن أبي عمير عن حماد بن عثمان [و روى الحلبي عن الص
 آبي رضي الله عنه و محمد بن الحسن بن سعد بن عبد الله و الحميري جميعا عن أحمد بن محمد بن عيسى و عبد الله بن محمد بن عيسى عن محمد بن أبي عمير عن حماد بن عثمان [و رو
 آبي رضي الله عنه عن عبد الله بن جعفر الحميري عن علي بن إسماعيل عن صفوان بن يحيى [و روى إسحاق بن عمار عن الصادق ع [إبازسازي] أنه قال
 آبي رضي الله عنه عن عبد الله بن جعفر الحميري عن أحمد بن محمد بن عيسى عن علي بن الحكم [و روى معاوية بن شريح عن أبي عبد الله ع أنه قال
 آبي رضي الله عنه و محمد بن الحسن بن سعد بن عبد الله و الحميري جميعا عن أيوب بن نوح و إبراهيم بن هاشم و يعقوب بن يزيد و محمد بن عبد الجبار] فقد روى محمد بن أبي عمير عن
 محمد بن موسى بن المتوكل عن عبد الله بن جعفر الحميري و سعد بن عبد الله عن أحمد بن محمد بن عيسى [و روى الحسن بن محبوب عن جميل بن صالح عن سماعة عن أبي عبد الله ع
 ي رضي الله عنه عن علي بن إبراهيم عن أبيه عن حماد [تفرد بهذه الرواية حريز عن زرارة بن أعين قال أبو جعفر الباقر ع لزرارة بن أعين
 آبي رضي الله عنه عن عبد الله بن جعفر الحميري عن محمد بن عيسى بن عبيد و الحسن بن ظريف و علي بن إسماعيل بن عيسى كلهم عن حماد بن عيسى [إبازسازي] تفرد بهذه الرواية حرا
 آبي رضي الله عنه عن عبد الله بن جعفر الحميري عن محمد بن عيسى بن عبيد و الحسن بن ظريف و علي بن إسماعيل بن عيسى كلهم عن حماد بن عيسى [إبازسازي] تفرد بهذه الرواية حرا

۱۸۳۶۸۵ از ۱۹۰۴۹

بش حديث | كتابخانه | اتصال: سند | نوع سند: تعلق به مشيخه | ارزیابی برنامه | ارزیابی: صحيح

در این سند، مانند بسیاری از اسناد فقیه، بین نام هشام بن سالم و نام امام(ع)، تعبیری به کار نرفته است.

بحث‌های آینده، مفهوم تعبیر واسطه را روشن‌تر می‌سازد.

پیشینه تاریخی بحث تعبیر واسطه

بررسی کتاب‌های فقهی و رجالی، این واقعیت را روشن می‌سازد که تعبیر واسطه و نقش آن، به گونه مستقل طرح و بحث نشده است و تنها گونه‌هایی از آن بررسی و تحقیق شده است؛ از جمله تفاوت بین «روی» و «روی‌عنه» در کتاب من لایحضره الفقیه که در پارهای از کتاب‌ها بحث گردیده است.

البته در مقام تعیین طبقه با استفاده از راوی و مروی‌عنه، گاه به شیوه تعبیر واسطه عنایت شده است؛ ولی به گونه شایسته بدان توجه نشده است. در کتاب‌های معاجم رجالی نیز که به تنظیم و فهرست کردن اسناد پرداخته‌اند، به این امر توجه نشده و از این رهگذر، کاستی‌هایی به این کتاب‌ها

حدثنا) و یا ترکیبی از فعل و حرف (قال قرأت علی) یا عبارتی مشتمل بر نام سائل حدیث (فسأله حفص الكلبي) و ترکیبات متنوع دیگر باشد.

از سوی دیگر، تعبیر واسطه، گاه در اول سند است و واسطه مؤلف با اول سند میباید و گاه در وسط سند بوده و اتصال روات به هم را تبیین می‌کند و گاه در آخر سند و بیانگر کیفیت روایت راوی از امام معصوم(ع) می‌باشد و گاهی نیز پس از نام شریف معصوم واقع می‌گردد.

از جانب دیگر، بیان شیوه روایت یک راوی از راوی دیگر، به تعبیر واقع قبل از راوی اول و تعبیر واقع در میان دو راوی و تعبیر واقع پس از نام راوی دوم بستگی دارد؛ چنان‌که این مطلب با دقت در مثال‌های ذکر شده، روشن می‌گردد.

ناگفته نماند که گاه بین مؤلف و راوی اول و یا بین راویان در میان سند و یا بین راوی و معصوم(ع)، هیچ عبارتی به کار نرفته است. در این گونه موارد، تعبیر واسطه در واقع امری عدمی بوده و در موضوع بحث ما قرار می‌گیرد؛ به دو نمونه از این موارد توجه کنید:

الف. سند معروف کافی: «علی بن ابراهیم، عن ابیه، عن النوفلی.»

در اول این سند، هیچ عبارتی به کار نرفته است و اسناد کافی به جز مواردی نادر، از این دست میباشند.

ب. «سأل هشام بن سالم أبا عبد الله(ع).» (فقیه، ج ۱، ح ۱۱۷۶)

راه یافته است. در کتاب شریف معجم رجال الحدیث نیز - که به حق بهترین کتاب چاپ شده در تنظیم روایت راویان و بیان مواضع اسناد آنها با ذکر راوی و مروی عنه به طور مستقصی و با شیوه مطلوب و هوشمندانه بوده - توجه به تعبیر واسطه در دستور کار نبوده است. تنها به برخی از تعبیرات خاص چون «رفعه» و «یریفعه» و موارد دیگری که روایت مرسل بوده، توجه شده؛ ولی منشأ آن در بسیاری از موارد، مد نظر نبوده است.

نقش تعبیرات واسطه را برای نخستین بار در درس حضرت آیت الله والد - مد ظلّه - شنیدم. ایشان در فهرس مختلف خود، برای اسناد روایات نیز در مواردی که تعبیر واسطه ظهوری در روایت مستقیم ندارد، اصل تعبیر را درج نموده و بدین ترتیب، زمینه را برای دقت در تعیین طبقه فراهم آورده اند.

بدین ترتیب، ما نوشته خاصی در این زمینه سراغ نداریم و این موضوع، برای بار نخست در اینجا طرح می شود.

در برنامه معجم رجال کتب اربعه نیز که به همت همکاران عزیز در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی فراهم آمده، به تعبیرات واسطه - جز در موارد نادری چون «باسناد» و «رفعه» - توجهی نشده بود. پس از آماده شدن برنامه، ضمن استفاده علمی از آن، به نواقصی برخورد کردیم که یکی از عوامل اساسی آن، عدم توجه به این امر بود.

در هنگام وارد کردن اسناد کتاب من لایحضره الفقیه نیز که تعبیر واسطه در آغاز اسناد آن مورد توجه علما و بزرگان نیز بوده، به طور طبیعی، می بایست به نقش این تعبیرات توجه می شد.

تحقیق در این زمینه، دیدگاه نوینی را در شناخت اسناد یا خود به ارمغان آورده و

کتاب شریف معجم رجال الحدیث، تنها اثر روشمند و سازمان یافته چاپ شده در تنظیم اسناد است که با روش فنی و کارآمد به تعیین طبقه تفصیلی روات با ذکر راوی و مروی عنه پرداخته است و این اثر گرانقدر، از حسنات روزگار به شمار می رود. از این رو، ما در این مقال، بیش از همه به این کتاب اشاره نموده، سعی می کنیم با طرح موضوعاتی که در این کتاب مد نظر نبوده، زمینه نگارش و تنظیم معجم رجال کامل تری را فراهم آوریم؛ چه کارهای انجام نشده در عرصه رجال و حدیث، کم نیست؛ به خصوص با استفاده از فناوری پیشرفته و با بهره گیری از کارایی های والای کامپیوتر، می توان تحول عظیمی در حوزه اطلاع رسانی و سهل الوصول نمودن منابع و مصادر تحقیقات اسلامی فراهم آورد و این همه، به اندیشه مستمر در روش های تحقیقاتی و اهداف مختلف که در علوم اسلامی دنبال می شود، نیازمند بوده و تلاش محققان و دانشمندان علوم اسلامی، به ویژه در حوزه های علمیه را به سوی خود می خواند.

امید است با توجه به مقتضیات زمان و با بهره گیری از تجارب دانشمندان دلسوخته و مجاهدان فی سبیل الله در طول تاریخ علم و فضیلت و با استفاده از امکانات نوین زمان حاضر، هر روز شاهد پیشرفت و تکامل در صحنه های مختلف تحقیقات، از جمله در زمینه تنظیم معجم رجالی باشیم.

تمامی تعبیراتی که نام راوی نبوده و از حالات و اوصاف وی حکایت نمی کنند و اتصال روایت به وسیله آنها صورت نگرفته، به عنوان تعبیر واسطه تلقی می گردند.

بنابراین، افرادی که اتصال حدیث به وسیله آنها صورت نگرفته، ولی به نحوی از انحا به سند مربوط می شوند، به عنوان تعبیر واسطه خواهند بود

محورهای بحث در باره تعبیر واسطه

در این مقاله، نقش تعبیر واسطه در محورهای زیر دنبال می‌شود که در قسمت نخست نوشتار حاضر، به تبیین محور اول می‌پردازیم:

محور اول: نقش اصلی تعبیر واسطه (بیان کیفیت روایت)؛

محور دوم: فواید جانبی تعبیر واسطه؛

محور سوم: نمونه‌هایی از فواید تعبیر واسطه در کتب اربعه.

محور اول: نقش اصلی تعبیر واسطه (بیان کیفیت روایت)

تعبیر واسطه در درجه نخست، برای بیان کیفیت تحمل روایت به کار برده شده است.

است از: سماع، قرائت، اجازه، مناولة، کتابت، اعلام، وصیت و وجادة. در تعریف این طرق و تعداد و اقسام آنها، بحث‌های فراوانی در کتاب‌های تفصیلی درایه آمده که نیازی به پرداختن به آنها نیست. ما در اینجا، تنها برخی از بحث‌هایی را که به تعبیر واسطه ارتباط می‌یابد، عنوان می‌کنیم. بحث نخست، این است که در این کتاب‌ها در باره بسیاری از این طرق بحث‌هایی در ارتباط با جواز تحمل به آن طرق و عمل به روایتی که از آن طریق رسیده، انجام گرفته است. بنابراین، با تعیین نحوه حدیث، مصداق بحث‌های علمای

The screenshot shows a software interface for Hadith research. At the top, there are navigation tabs: 'سایر فهرستها', 'ارتباط راویان', 'راوی', 'سند', and 'کتابخانه'. Below these are search filters: 'فهرست های منتخب', 'عنوان اصلی', 'مشابه یابی', 'برو به', 'همه ایواب', and 'عملگرها'. The main area contains a table with columns: 'ارزیابی سند', 'ادرس', and 'الایش فهرست'. The table lists various Hadith entries with their respective dates and evaluation status. The sidebar on the right contains a list of categories: 'درایه النور ۲', 'عنوان جستجو را وارد کنید', 'ارزیابی', 'برو به', 'همه ایواب', 'عملگرها', 'فهرست های منتخب', 'عنوان اصلی', 'مشابه یابی', 'فهرستی اسناد', 'الایش فهرست', 'صومان', 'ب', 'ضوع', 'مال سند', 'یابی سند', 'ع سند', 'یابی کاربرد', 'ق و مشیخه'.

درایه تعیین می‌گردد؛ مثلاً اگر ما تحمل حدیث به وجاده را نادرست بشماریم، باید در مورد احادیث دقت کرد که شیوه تحمل، به گونه وجاده نباشد.

بحث دیگری که در علم درایه صورت پذیرفته، برتری یکی از این طرق بر دیگری می‌باشد؛ مثلاً بحث شده که آیا بهترین طریق، سماع از زبان استاد است و یا قرائت بر وی؟

برای توضیح کامل این بحث، عنوان‌های فرعی زیر را برگزیدیم و در ذیل هر عنوان، به توضیح فایده تعبیر واسطه می‌پردازیم:

الف. تعبیر واسطه و طرق هشنگانه تحمل حدیث؛

ب. روایت مستقیم و غیرمستقیم از معصوم(ع)؛

ج. نام‌هایی که در تعبیر واسطه هستند و در سند واقع نمی‌شوند.

الف. تعبیر واسطه و طرق هشنگانه تحمل حدیث

علمای حدیث و درایه، برای تحمل حدیث، هشت طریق ذکر کرده‌اند که عبارت

این بحث می‌تواند در بحث تعادل و تراجیح منشأ اثر باشد و روایتی را که به طریقی برتر رسیده، بر روایت دیگر ترجیح دهد.

حال باید دید که ما چگونه می‌توانیم دریابیم که تحمل روایات به چه طریقی بوده است. در اینجا علمای درایه، بحثی را عنوان کرده‌اند که الفاظ هریک از این طرق چیست؟ هر کدام از طرق دارای الفاظ صریح و اختصاصی می‌باشند که بدون شک و تردید، بر تحمل حدیث بدان طریق دلالت دارد؛ مثلاً لفظ «سمعت من فلان» و «اخبِرنا سماعاً عنه»، در مورد سماع و لفظ «قرأت علی فلان» و «اخبِرنا قراءة علیه» در مورد قرائت، و «اجاز لنا» در مورد اجازه، لفظ صریح و اختصاصی می‌باشند. اگر در تعبیر واسطه ما، یکی از این الفاظ به کار رفته باشد، به روشنی طریق تحمل حدیث را درمی‌یابیم؛ ولی برخی از الفاظ مشترک بین چند طریق بوده است؛ مثلاً لفظ «عن» در بیشتر این طرق، بدون شبهه به کار می‌رود.

«حدثنی» را منع نموده و «اخبِرنا» را تجویز می‌کنند که شیوه تعبیری بسیاری از محدثان عامه، بر طبق همین نظر سوم است؛ بلکه برخی، «حدثنی» را تنها در سماع، و «اخبِرنا» را تنها در قرائت به کار می‌برند.

در مورد اجازه و مناوله نیز شبیه این بحث‌ها دیده میشود؛ برخی از محدثان، اطلاق «حدثنا» را در سماع روایت می‌کرده است و در مورد اجازه، کلمه «اخبِرنا» را به کار می‌برده و آن را روشن نیز نمی‌ساخته است و این خود، یکی از ایراداتی بود که بر وی وارد می‌آوردند؛ برخی از محدثان نیز

در مورد اجازه، کلمه «انبأنا» به کار می‌برده‌اند. آنچه گفته شد، اشارتی سریع به برخی از مباحث مرتبط با الفاظ تحمل حدیث در کتاب‌های عامه بود؛ (۱) اما مسئله مهم در اینجا، آن است که چه تعبیری جایز و چه تعبیری غیرجایز است؛ بلکه شیوه به‌کارگیری الفاظ اخبار و تحدیث در کتاب‌های حدیثی و رجالی و نظر مؤلفان آنها در این مورد، اهمیت دارد و نگرش ما را به اسناد

جایگاه نوع تحمل حدیث، برای یک محقق بسیار اهمیت دارد و بر این اساس، این برنامه سعی شده که کدهای فرمت خاص برای این موضوع لحاظ شود؛ لکن چون هنوز به مرحله کاربردی نرسیده، اعمال کد نشده و در این برنامه، فیلتر شده است. این امید را به کاربران می‌دهیم که با ارائه کاری جامع در این زمینه، برنامه ارتقا پیدا کند و این مهم نیز به مرحله ظهور برسد.

احیاناً در جواز استعمال برخی تعابیر در پارهای از طرق، بحث و گفت‌وگو می‌باشد؛ مثلاً در مورد به کار بردن «حدثنی» و «اخبِرنا» در قرائت، اختلافاتی در میان محدثان بوده است؛ گروهی آن را جایز، گروهی آن را ممنوع و گروه دیگر،

تعیین می‌کند.

را می‌دهد، در اختیار شاگرد می‌نهد و گاه همراه
مناوله نبوده و صرف یک اجازه می‌باشد.

همچنین، اجازه را به اقسام زیر تقسیم کرده‌اند:

اول: اجازه شیء معین به شخص معین؛ با عبارتی
نظیر «اجزتک التهذیب» یا «اجزت لک هذه
النسخة من التهذیب»؛

دوم: اجازه شیء معین به شخص غیر معین؛ مانند
«اجزت التهذیب لكل الطبعة»؛

سوم: اجازه شیء غیر معین به شخص معین؛ مانند
«اجزت لک مسموعاتی»؛

چهارم: اجازه شیء غیر معین به شخص غیر معین
با عبارتی نظیر «اجزت مسموعاتی لكل احد من
اهل زمانی»؛

پنجم: اجازه به شخص معدوم.

اقسام دیگری برای اجازه ذکر شده که به جهت
اختصار، از ذکر آنها درمی‌گذریم. (۵)

حال ببینیم که آیا کلمه «حدّثنی» و «اخبرنی»
در مواردی که طریق تحمل روایت به گونه اجازه
بوده، با تمام اقسام آن به کار برده می‌شده است یا
خیر؟ با بررسی در اسناد رجال نجاشی و فهرست
شیخ و برخی کتب دیگر، به دست آمده که:

۱. کلمه «حدّثنا» و «اخبرنا» در این کتاب‌ها، در
مواردی که عمل حدیث به شیوه‌های سماع و
قرائت نبوده نیز به کار برده می‌شده است. دلیل
این مطلب، آن است که موارد استعمال این
صیغه‌ها، آن قدر زیاد است که شاید ۱ درصد آنها
نیز نتواند به شیوه سماع و قرائت باشد؛ بلکه برخی
از حافظان معروف چون ابن عقده و ابن جعابی،
صدها هزار روایت داشته‌اند که شیخ طوسی و
نجاشی در مورد آنها عبارتی نظیر «اخبرنا بجميع
کتابه و روایاته» (۶) به کار برده است.

۲. این دو کلمه در اجازه، مجرد از مناوله نیز به کار
میرفته و عبارت «حدّثنا بجميع کتابه و روایاته»،
به خصوص در مورد اشخاصی چون «ابن عقده»
و «ابوالفرج اصفهانی» و دیگران، در این موارد

متأسفانه، از مؤلفان جوامع حدیثی و رجالی متقدم، اثری که بیانگر نظر آنها در این
موارد باشد، در دست نداریم. این بحث، بیشتر در کتاب‌های اصولی متأخر، چون
معالم و قوانین طرح شده است. ایشان «حدّثنی» و «اخبرنی» را مختص سماع
دانسته و استعمال آن را در مورد اجازه جایز نمی‌دانسته‌اند. (۲) از قداما، سید مرتضی
علم الهدی نیز تصریح نموده که این دو عبارت را در مورد قرائت نمی‌توان به کار
برد، تا چه رسد به اجازه؛ بلکه تعبیر «اخبرنی قرائة» را نیز نادرست می‌دانسته
است؛ (۳) ولی از نظر سایر دانشمندان، اطلاعی در دست نیست و تنها در اجازه، از
ابن داود قمی - که در فرحة العری نقل شده (۴) - استعمال «اخبرنا» و «حدّثنا» را
در مورد تحمل روایت جایز دانسته است. نظر برخی از علما را از بررسی تعبیرات
واسطه در کتاب‌هایشان میتوان به دست آورد و از این رهگذر، ثمره مهمی بر
بررسی تعبیر واسطه باری گردد.

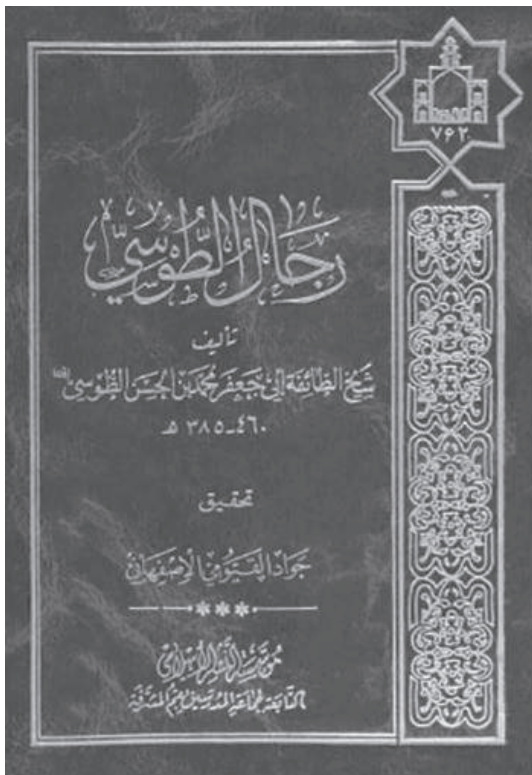
نگارنده درباره مدلول کلمه «حدّثنی» و «اخبرنی» در عبارات دانشمندان پیشین
امامی، چون شیخ طوسی و شیخ نجاشی و مشایخ آنها، بحث مفصلی نموده و رساله
مبسوطی در آن مورد نگاشته است. بد نیست در اینجا خلاصه نتایج این رساله را
با اشارتی گذرا به دلایل آن متذکر شویم. این نتایج، دیدگاه نوینی را در شناخت
اسناد به همراه خواهد داشت. پیش از پرداختن به این امر، بد نیست تقسیمات اجازه
را که در بحث‌های بعدی دخالت دارد، ذکر کنیم:

اجازه، گاه همراه مناوله بوده است. شیخ به همراه اجازه، کتابی را که اجازه‌اش



**با استفاده از فناوری پیشرفته و با بهره‌گیری
از کارایی‌های والای کامپیوتر، می‌توان
تحول عظیمی در حوزه اطلاع‌رسانی
و سهل‌الوصول نمودن منابع و مصادر
تحقیقات اسلامی فراهم آورد و این همه،
به اندیشه مستمر در روش‌های تحقیقاتی و
اهداف مختلف که در علوم اسلامی دنبال
می‌شود، نیازمند بوده و تلاش محققان
و دانشمندان علوم اسلامی، به‌ویژه در
حوزه‌های علمیه را به سوی خود می‌خواند**





است (۷) و استعمال «حدَّثنا عدَّةٌ من اصحابنا»، در غالب موارد به همین جهت است. ۳. کلمه «اخبرنا» و «حدَّثنا» در اجازه، به شیء غیرمعین به کار می‌رود و عبارت «اخبرنا بجمیع روایاته»، از این قبیل است و از اجازات با عبارتی نظیر «اجزت لك جمیع مسموعاتی و مرویاتی» نشئت می‌گیرد؛ به‌ویژه در روات بسیار پُرروایت و پُرتألیف.

۴. کلمه «اخبرنا» و «حدَّثنا»، در مواردی که شیخ و نجاشی کتاب‌هایی را اصلاً ندیده‌اند، به کار برده شده و به همین جهت، اوصاف کتاب را با عبارتی نظیر «حَسَنُ عَلَيَّ مَا حُكِيَ» یا «حَسَنُ غَرِيبُ عَلَيَّ مَا ذَكَرَهُ شَيْوُخُنَا» (۸) و مانند آن از مشایخ خود نقل می‌کند. نجاشی در پاره‌های موارد تصریح می‌کند که تمام کتاب‌های مؤلف را ندیده و با این حال، کلمه «اخبرنا بجمیع کتبه» را به کار می‌برند. (۹)

۵. نجاشی و شیخ، خود اگر عبارت «حدَّثنا» و «اخبرنا» را به کار برند، مراد سماع و قرائت نیست؛ بلکه تحمل روایت به سایر طرق بوده است. دلیل این مطلب، دو امر است: یکی اینکه در بسیاری موارد تصریح شده که طریق به کتب، به طریق قرائت یا سماع بوده و اگر سایر موارد نیز به این طریق بود، وجهی نداشت که تنها در برخی موارد تصریح شود؛ بلکه گاه از میان کتاب‌های مختلف یک نویسنده، تنها در باره یکی از آنها تصریح به قرائت و یا سماع می‌شود؛ (۱۰) گاه در مورد یک کتاب، از میان طرق مختلف، فقط در باره یک طریق به چنین تصریحی برمی‌خوریم (۱۱) که این همه، شاهد بر آن است که طریق دیگر، به شیوه سماع و قرائت نبوده است.

دلیل دیگر، آن است که مرتبه اجازه، از قرائت و سماع پایینتر است و در جایی که تحمل حدیث به طریق برتر که قرائت و سماع باشد، به لفظ مطلق می‌توان در مورد اجازه نیز به کار رفته، اکتفا نمی‌شود.

تفصیل استدلال بر این نتایج، در رساله‌ای که پیش‌تر بدان اشاره شد، آمده است. همچنین، در این رساله این احتمال که مفهوم «اخبرنا بکتابه» اخبار به انتساب کتاب به مؤلفان و یا اخبار به نام کتاب‌های یک مؤلف باشد، با دلایلی چند نادرست دانسته شده است؛ از جمله اینکه این امر، با استثناهایی که در این مورد می‌شود، مانند «اخبرنا بجمیع کتبه الا بما كان فيهما من غلو او تخليط» (۱۲) و یا استثنای ابن‌ولید از روایات محمد بن احمد بن یحیی (۱۳)، سازگار نیست و نیز در بسیاری از موارد، ذکر نام کتاب‌ها به استناد قول شخصی چون ابن‌ندیم بوده است (۱۴) که اصلاً در طرق شیخ یا نجاشی به آن کتاب‌ها واقع نشده است و نیز در باره بسیاری از کتاب‌های کلامی و برخی از کتاب‌های فقهی، اصلاً طریقی ذکر نشده (۱۵) و اگر طریق برای انتساب کتاب به مؤلف بود، به طور طبیعی باید در این موارد نیز ذکر شود.

دلایل دیگر این امر، در رساله مذکور به تفصیل آمده است.

نگرشی جدید به طرق و مشیخه

این بحث‌ها، نتایج مهمی را به دنبال می‌آورد که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

نتیجه اول: بحثی است در رجال که آیا مشیخه و طرقی که در فهرست شیخ و یا مشیخه تهذیب و استبصار وجود دارند، به تحقیق و بررسی نیازمندند؟ بحث بالا ثابت می‌کند که مشیخه و طرق، در صحت سند نقش ندارد؛ چون این طرق، با توجه به اینکه به اجازه عامه و بدون مناوله بوده‌اند، اثبات انتساب کتاب را به مؤلف نمی‌کنند و بر فرض که اصل انتساب کتاب را به مؤلف ثابت نمایند، انتساب نسخه‌ای از این کتاب را که در دست شیخ بوده و از روی آن روایات را نقل کرده، به اثبات نمی‌رسانند و بر فرض که اصل انتساب نسخه را ثابت کند، تک‌تک روایات نسخه را تصحیح نمی‌نمایند؛ چه این طرق، به سماع و قرائت تفصیلی تک‌تک موارد ناظر نیست. بنابراین، اشکال صحت نسخه کتاب مأخذ شیخ طوسی، از راه‌هایی دیگر چون بنای عقلا و دلیل انسداد صغیر باید حل شود و با حل این اشکالات، روایات تصحیح می‌گردد؛ بدون اینکه طرق و مشیخه، نقشی داشته باشند.

نتیجه دوم: تعیین مصدر مؤلف کتاب در اخذ احادیث و میزان ارزش آن از جهت صحت نسخه و بحث‌هایی مانند آن، نقش تعیین‌کننده‌ای در رجال خواهد داشت و باید با بررسی میزان تحریفات واقع در سند و شیوه توزیع آن در اسناد، به بررسی ارزش نسخه‌های مصدر مؤلف پرداخت.

نتیجه سوم: در روایت‌های متصل نیز اگر ثابت شود که روایت از کتاب چه کسی اخذ شده، سند روایت تا آن شخص می‌تواند حذف شود؛ به‌خصوص در اسناد کافی که با کلمه «عن» بوده، که به‌کارگیری آن در مورد اجازه، از کاربرد «اخبارنا» و «حدثنا» روشن‌تر است.

نتیجه چهارم: در عصرهایی که نقل حدیث از روی کتاب‌ها صورت می‌گرفته، مانند قرن سوم و بعد از آن، افرادی که در سند واقع‌اند و صاحب کتاب نیستند، می‌توانند از سند حذف شوند؛ چه روایت از کتاب هر کسی اخذ شده باشد، به هر حال، کسانی که در سند واقع‌اند و صاحب کتاب نیستند، تنها واسطه اتصال سند به کتاب بوده‌اند و بنابراین، نقشی در سند ندارند.

نتیجه پنجم: در عصور متأخر چون عصر شیخ حرّ عاملی و علامه مجلسی که تحمل روایات، تنها به شیوه اجازه عامه بوده، بدون هیچ تردیدی، سند داشتن امثال شیخ حرّ عاملی و علامه مجلسی به کتاب‌ها، نقشی ندارد؛ بلکه تنها باید صحت و سقم نسخه مصادری که این بزرگان روایت را از آنها برگرفته‌اند، بررسی شود و طریق داشتن یا طریق نداشتن در این مسئله، یکسان است.

نتیجه ششم: با توجه به اینکه طرق شیخ طوسی در فهرست، در مواردی که با عبارت «حدثنا بجمع کتبه و روایاته» و مانند آن همراه بوده، به شیوه اجازه عامه بوده، نظریه تعویض اسناد به تمامی اقسام آن، ناصحیح می‌نماید.

ما در اینجا در صدد بحث تفصیلی از این نتایج نیستیم؛ بلکه غرض از این بحث، آن است که این نتایج، همه از توجه به کیفیت تعبیر واسطه در فهرست شیخ و رجال نجاشی به دست آمده است. بنابراین، دقت در این تعابیر، امری لازم می‌نماید.

این بحث‌ها در مورد روایت راوی از معصوم(ع) نیز به گونه‌ای می‌تواند طرح شود که در قسمت آینده این نوشتار، بدان اشاره خواهیم کرد. ■

پی‌نوشت‌ها:

۱. این مباحث، در کتب عامه به تفصیل آمده است؛ مانند: مقدمه ابن صلاح، ص ۲۵۰؛ کفایه خطیب بغدادی، ص ۴۷۲؛ اصول الحدیث، ص ۲۵۰؛ تدریب الراوی، ج ۲، ص ۵۱؛ قواعد التحدیث، ص ۲۰۴. در این منبع نیز به نام آنها اشاره شده است: حاشیه مقیاس الهدایة، تحقیق محمدرضا مامقانی، مؤسسه آل‌البیت، قم، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۹۴ - ۱۰۰؛ همان، ص ۱۴۶ و ۱۵۱.

۲. درایه شهید ثانی، تحقیق محمدعلی بقال، کتابخانه آیت‌الله مرعشی، قم، ۱۴۰۸، ص ۲۴۳ و ۲۸۴؛ وصل الاخبار، مجمع الذخائر، قم، ۱۴۰۱، ص ۱۳۲ و ۱۴۰؛ مقیاس الهدایة، همان صفحات؛ نیز در کتب اصولی مانند قوانین، به خط عبدالرحیم، مکتبه علمیه اسلامیة، تهران، ص ۴۸۹؛ معالم‌الدین، قسم اصول فقه دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۰۶، ص ۲۱۰؛ و سایر مصادر.

۳. ذریعه، سید مرتضی، تحقیق دکتر ابوالقاسم گرجی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۸، ص ۵۶۰.

۴. فرحة الغری، سید عبدالرحیم‌بن طائوس، منشورات رضی، قم، ص ۱۴۰.

۵. درایه شهید ثانی، ص ۲۶۵؛ نیز ر.ک: وصول الأخبار، ص ۱۳۵؛ مقیاس الهدایة، ج ۳، ص ۱۱۵ - ۱۳۵؛ و مصادر ذکرشده در حواشی آن.

۶. رجال نجاشی، تصحیح آیت‌الله شبیری زنجانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۰۷، رقم ۱۰۵۵؛ فهرست شیخ طوسی، مکتبه مرتضویة، نجف، ۱۳۵۶، رقم ۷۶.

۷. فهرست شیخ طوسی، رقم ۷۶ و ۸۷۵.

۸. رجال نجاشی، رقم ۲۳۹؛ نیز ر.ک: همان، رقم ۱۸۳، ۴۳۴، ۶۸۹، ۶۹۲، ۹۴۳ و ۱۰۱۹. تراجم دیگر از مقدمه فهرست شیخ طوسی نیز برمیآید که این کتاب، به کتاب‌هایی که در اختیار شیخ بوده، اختصاص ندارد.

۹. به طور نمونه، ر.ک: رجال نجاشی، رقم ۲۴۲ و ۶۴۰.

۱۰. رجال نجاشی، رقم ۱۰۰، ۱۶۲، ۱۸۰، ۲۰۶، ۳۲۸، ۸۸۷، ۱۰۲۶ و ۱۰۵۵؛ فهرست شیخ طوسی، رقم ۱۵۱ - ۳۸۱؛ مشیخه تهذیب شیخ طوسی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۹۰، ص ۵۶؛ استبصار (مشیخه) شیخ طوسی، دار الکتب الاسلامیه، نجف، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۳۱۷؛ و مواضع دیگر.

۱۱. به طور نمونه: فهرست شیخ، رقم ۵۹۱؛ رجال نجاشی، رقم ۶۷۶.

۱۲. فهرست شیخ، رقم ۶۰، ۳۰۶، ۳۶۹، ۳۷۰، ۶۰۹، ۶۱۱، ۶۱۴ و ۶۱۶؛ رجال نجاشی، رقم ۱۹۲ و ۹۴۸.

۱۳. فهرست شیخ، رقم ۶۱۲؛ رجال نجاشی، رقم ۹۳۹.

۱۴. به طور نمونه، ر.ک: رجال نجاشی، رقم ۱۸۲؛ فهرست شیخ، رقم ۵۵، ۱۵۱ و ۳۷۰.

۱۵. به طور نمونه، ر.ک: رجال نجاشی، رقم ۶۸، ۶۹، ۱۰۲، ۱۳۵، ۱۴۸، ۱۵۵، ۱۶۷، ۱۹۶ و ۲۳۰؛ فهرست شیخ طوسی، رقم ۳۶، ۷۳، ۹۰، ۱۵۱، ۱۹۳، ۳۶۴، ۶۹۷، ۷۶۱ و ۸۵۳.